

جزء سیزدهم

سپاسگزار و قدردان دیگران بودن

﴿لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ
كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾

سوره ابراهیم، آیه ۷

یادتان باشد که خداوند اعلام کرده: اگر شکر کنید، حتماً سرمایه وجودی تان را زیاد می‌کنم و اگر ناشکری کنید، مجازاتم خیلی شدید است.



وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ
 إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ
 وَيَدْبِحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي
 ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿٦﴾ وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ
 لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي
 لَشَدِيدٌ ﴿٧﴾ وَقَالَ مُوسَىٰ إِنَّ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَن فِي
 الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿٨﴾ أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبُؤُا
 الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ
 مِن بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم
 بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا
 بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ وَإِنَّا لَفِي شَكِّ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مَرْيَبٌ ﴿٩﴾
 * قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِى اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
 يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُخَرِّجَكُم إِلَىٰ أَجَلٍ
 مُّسَمًّى قَالُوا إِن أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا تُرِيدُونَ أَن تَصُدُّونَا
 عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتُونَا بِسُلْطَنِ مُّبِينٍ ﴿١٠﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ



بیانی از آیه شریفه

یکی از ارزش‌های مهم رفتاری که برای هر جامعه‌ای لازم است شکرگزاری است. جامعه‌ای که مثبت‌نگر باشد و به جای پرداختن به مشکلات و برجسته کردن ضعف‌ها، به قوت‌ها توجه کند و برای تقویت قوت‌ها و حراست از آنها تمام تلاش خود را به کار بندد، جامعه‌ای شکرگزار به شمار می‌رود. این ویژگی برای همه جوامع لازم است و برای جامعه‌ای که در مسیر مقاومت قرار دارد و سبک زندگی مجاهدانه را دنبال می‌کند ضروری‌تر است. خداوند متعال در سوره ابراهیم به این اصل مهم اشاره و اعلام می‌کند: «شکر نعمت، نعمت افزون کند / کفر نعمت از کفت بیرون کند.»

جامعه شکرگزار روزبه‌روز از نعمت بیشتری برخوردار می‌شود و جامعه ناسپاس همان نعمت‌هایی را که دارد نیز از دست خواهد داد و روزبه‌روز گرفتارتر خواهد شد.

البته باید دانست که شکر ابعاد گوناگونی دارد و هم درباره سپاسگزاری به محضر خداوند متعال مطرح می‌شود هم درباره سپاس گزاردن در برابر دیگران، که اهمیت آن کمتر از نوع اول نیست. حتی بر اساس برخی روایات، اگر انسان شاکر نعمت‌های خداوند باشد، اما از دیگران برای الطافشان تشکر نکند، خداوند متعال او را در برابر نعمت‌های خود نیز شاکر به شمار نمی‌آورد.

جامعه‌ای که سبک زندگی مجاهدانه را انتخاب کرده است باید قدردان تلاش‌های مجاهدانه دیگران باشد و با تشکر و قدردانی از آنان زمینه

گسترش خوبی‌ها را در جامعه فراهم کند.

قدردانی از خانواده‌های شهدا و ایثارگران و همچنین قدردانی از تلاش‌های مسئولان خدوم و نیز خیرین و قدردانی از زحمات اقشار مختلف جامعه از قبیل معلمان، پرستاران، کارگران، هنرمندان، ورزش‌کاران، صنعتگران و دیگر اقشار جامعه موجب نشر خوبی‌ها و گسترش خدمتگزاری در جامعه خواهد شد و درمقابل، سیاه‌نمایی و زیر سؤال بردن خدمات این گروه‌ها موجب بی‌انگیزگی آنان و در نتیجه، محروم ماندن جامعه از استمرار خدمات آنان می‌شود.

در آینه آیات کریمه قرآن

- «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصَالَهُ فِيَ عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ»^۱
- «مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا»^۲
- «فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ»^۳
- «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»^۴

۱. سوره مبارکه لقمان، آیه ۱۴: «و انسان را درباره پدر و مادرش سفارش کردیم. مادرش به او حمله شد [درحالی‌که] سستی به روی سستی [به او دست می‌داد] و بازگرفتنش [از شیر] در دو سال است [و سفارش کردیم] که برای من و پدر و مادرت سپاسگزاری کن. بازگشت [همه] فقط به سوی من است.»
۲. سوره مبارکه نساء، آیه ۱۴۷: «اگر شما سپاسگزار [نعمت‌های بی‌شمار حق] باشید و ایمان آورید، خدا را با عذاب شما چه کار؟ خدا همواره پاداش‌دهنده و داناست.»
۳. سوره مبارکه نحل، آیه ۱۱۴: «از نعمت‌هایی که خدا روزی شما کرده است حلال و پاکیزه بخورید، و نعمت خدا را سپاس گزارید، اگر تنها خدا را می‌پرستید.»
۴. سوره مبارکه انسان، آیه ۳: «ما راه را به او نشان دادیم. یا سپاسگزار خواهد بود یا ناسپاس.»

- «شَاكِرًا لِأَنعِمِهِ اجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»^۱.
- «وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لِيَقُولُوا أَهَؤُلَاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنِنَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ»^۲.
- «ثُمَّ لَا يَنبَغُهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ»^۳.

در آینه روایات معصومان علیهم السلام

- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: یُوْتَى بِعَبْدٍ یَوْمَ الْقِیَامَةِ فِیوَقَفُ بَیْنَ یَدَی اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِیأَمْرٍ بِهِ إِلَى النَّارِ فِیقولُ أئِ رَبِّ أَمَرْتُ بِی إِلَى النَّارِ وَقَدْ قَرَأْتُ الْقُرْآنَ فِیقولُ اللَّهُ أئِ عِبْدِی اِئِی اَنْعَمْتُ عَلَیْكَ فَلَمْ تَشْكُرْ نِعْمَتِی فِیقولُ أئِ رَبِّ اَنْعَمْتُ عَلَیْ بِكَدًا فَشَكَرْتُكَ بِكَدًا وَاَنْعَمْتَ عَلَیْ بِكَدًا وَشَكَرْتُكَ بِكَدًا فَلَا یَزَالُ یُحْصِی النِّعْمَ وَیُعِدُّ الشُّكْرَ فِیقولُ اللَّهُ تَعَالَى صَدَقْتَ عِبْدِی اِلَّا اَنَّكَ لَمْ تَشْكُرْ مَنْ اَجْرِيَتْ لَكَ نِعْمَتِی عَلَیْ یَدِیهِ وَاِیْیَیْ قَدْ اَلِیْتُ عَلَی نَفْسِی اَنْ لَا اَقْبَلَ شُكْرَ عِبْدٍ لِنِعْمَةٍ اَنْعَمْتُهَا عَلَیْهِ حَتَّى یَشْكُرُ سَائِقَهَا مِنْ خَلْقِی اِلَیْهِ.^۴

۱. سوره مبارکه نحل، آیه ۱۲۱: «سپاسگزار نعمت های او بود. خدا او را برگزید و به راهی راست راهنمایی اش کرد.»
۲. سوره مبارکه انعام، آیه ۵۳: «و اما این گونه توانگران را به مؤمنان تهنی دستی که در کنار تو هستند آزمودیم تا [توانگران با تعجب و استهزا] بگویند: آیا اینان اند که خدا از میان ما بر آنان منت نهاده [و نعمت ایمان و عمل صالح داده و بر ما برتری بخشیده] است؟ آیا خدا به سپاسگزاران داناتر نیست؟»
۳. سوره مبارکه اعراف، آیه ۱۷: «(سپس، از پیش رو و پشت سر و از طرف راست و از جانب چپشان بر آنان می تازم و [تا جایی آنان را دچار وسوسه و اغواگری می کنم که] بیشترشان را سپاسگزار نخواهی یافت.»
۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۲۴: «روز قیامت بنده ای آورده می شود و در مقابل خدای متعال می ایستد. پس، دستور داده می شود که او به آتش افکنده شود.

■ داود بن سرحان: كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ سَدِيرُ الصَّيْرِفِيِّ فَسَلَّمَ وَجَلَسَ فَقَالَ لَهُ يَا سَدِيرُ مَا كَثَرَ مَا لَ رَجُلٍ قَطُّ إِلَّا عَظَمَتِ الْحُجَّةُ لِلَّهِ عَلَيْهِ فَإِنْ قَدَرْتُمْ تَدْفَعُونَهَا عَلَيَّ أَنْفُسِكُمْ فَأَفْعَلُوا فَقَالَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله بِمَاذَا قَالَ بِقَضَاءِ حَوَائِجِ إِخْوَانِكُمْ مِنْ أَمْوَالِكُمْ ثُمَّ قَالَ تَلَقُّوا النَّعَمَ يَا سَدِيرُ بِحُسْنٍ مُجَاوِرَتِهَا وَاشْكُرُوا مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكُمْ وَأَنْعِمُوا عَلَيَّ مَنْ شَكَرَكُمْ فَإِنَّكُمْ إِذَا كُنْتُمْ كَذَلِكَ اسْتَوْجِبْتُمْ مِنَ اللَّهِ الرِّيَادَةَ وَمِنْ إِخْوَانِكُمُ الْمُنَاصَحَةَ ثُمَّ تَلَا ﴿لَنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ﴾!

■ امام سجاد عليه السلام: أَوْصَى عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام ابْنَهُ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ عليه السلام فَقَالَ بُنَيَّ إِنِّي جَعَلْتُكَ خَلِيفَتِي مِنْ بَعْدِي لَا يَدَّعِي فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَحَدٌ إِلَّا قَلَّدَهُ

آن بنده می گوید: خدایا، دستور دادی من را به آتش افکنند، درحالی که من قرآن می خواندم؟ خدای متعال می فرماید: بنده من، من به تو نعمت هایی دادم و تو شکر آنها را به جا نیاوردی. آن بنده می گوید: خدایا، فلان نعمت را به من دادی و من به فلان صورت شکر کردم؛ و همین طور نعمات و شکرگزارای هایش را می شمارد. خدای متعال می فرماید: درست گفתי ای بنده من. فقط تو از کسی که نعمت خود را با دستان او بر تو عطا کردم تشکر نکردی و من با خود عهد کرده ام که شکر بنده ای را که نعمت هایی به او عطا کردم نپذیرم تا از هر که آن نعمت را از خلقم به سوی او آورد سپاسگزاری کند.

۱. طوسی، الأمالی، ص ۳۰۲: «خدمت امام صادق عليه السلام بودیم که سدير صيرفي وارد شد، سلام کرد و نشست. حضرت فرمودند: ای سدير، هرکس ثروت بیشتری داشته باشد حجت خدا هم بر او زیاد است (مسئولیت بیشتری دارد) و اگر شما می توانید، ثروت خود را به خودتان بدهید. سدير عرض کرد: چگونه انسان مال خود را به خود بپردازد؟ حضرت فرمودند: به این ترتیب که نیازهای برادران دینی را از همین اموال برآورد. سپس، فرمودند: ای سدير، با حسن مجاورت و سپاسگزاری با نعمات الهی برخورد کنید و از کسی که به شما احسان کرده است تشکر کنید و به کسی که از احسان شما تشکر می کند انعام و بخشش کنید؛ که اگر شیوه شما چنین باشد، مستوجب افزایش نعمت از خدا خواهید شد و از برادران خود محبت و خیرخواهی می بینید. سپس، حضرت این آیه را تلاوت فرمودند: اگر شکرگزار باشید، شما را بیفزایم.»

اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ طَوْقًا مِنْ نَارٍ فَاحْمَدِ اللَّهَ عَلَى ذَلِكَ وَاشْكُرْهُ يَا بُنَيَّ اشْكُرْ لِمَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ وَأَنْعِمْ عَلَى مَنْ شَكَرَكَ فَإِنَّهُ لَا تَزُولُ نِعْمَةٌ إِذَا شُكِرَتْ وَلَا بَقَاءَ لَهَا إِذَا كُفِرَتْ وَالشَّاكِرُ بِشُكْرِهِ أَشْعَدُ مِنْهُ بِالنِّعْمَةِ الَّتِي وَجِبَ عَلَيْهِ بِهَا الشُّكْرُ وَتَلَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام «لَيْنُ شُكْرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَيْنُ كَفْرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»^۱

- امام علی علیه السلام: شُكْرُ النِّعْمِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ.^۲
- امام صادق علیه السلام: شُكْرُ النِّعْمَةِ اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ وَتَمَامُ الشُّكْرِ قَوْلُ الرَّجُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.^۳
- كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام بِمِئَى وَبَيْنَ أَيْدِينَا عِنَبٌ نَأْكُلُهُ فَجَاءَ سَائِلٌ فَسَأَلَهُ فَأَمَرَ بِعُنُقُودٍ فَأَعْطَاهُ فَقَالَ السَّائِلُ لَا حَاجَةَ لِي فِي هَذَا إِنْ كَانَ دِزْهَمٌ قَالَ يَسْعُ اللَّهُ عَلَيْكَ فَدَهَبَ ثُمَّ رَجَعَ فَقَالَ رُدُّوا الْعُنُقُودَ فَقَالَ يَسْعُ اللَّهُ لَكَ وَلَمْ يُعْطِهِ شَيْئًا ثُمَّ جَاءَ سَائِلٌ آخَرٌ فَأَخَذَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام ثَلَاثَ حَبَّاتٍ عِنَبٍ فَتَنَاوَلَهَا إِيَّاهُ فَأَخَذَ السَّائِلُ مِنْ يَدِهِ ثُمَّ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الَّذِي رَزَقَنِي فَقَالَ

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۳۱؛ خزاز قمی، کفایة الاثر، ص ۲۴۰؛ (امام سجاد علیه السلام به پسرشان، امام باقر علیه السلام، وصیت کردند: پسرکم، من تو را خلیفه پس از خودم قرار دادم. هیچ کسی میان من و تو ادعای امامت نمی کند مگر آنکه خدای متعال روز قیامت گردن آویزی از آتش به گردن او خواهد انداخت. پس، خدا را بر این نعمت حمد و شکر کن. ای پسرکم، از کسی که به تو نعمت می دهد شکرگزار باش و به کسی که از تو سپاسگزار است انعام و بخشش داشته باش؛ چراکه نعمت مادام که شکر می شود از بین نمی رود و هرگاه کفران شود، دیگر باقی نمی ماند. کسی که شکرگزاری کند از شکرش خوشحال تر است به دلیل نعمتی که به واسطه همین شکرش به او داده شده است؛ و این آیه را تلاوت فرمودند: اگر شکرگزار باشید، شما را بیفزایم و اگر کفران کنید، همانا عذاب من دردناک است.)

۲. ابن جمعه حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۵۲۹؛ (شکر نعمت ها بر رزق می افزاید.)

۳. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۹۵؛ (شکر نعمت کناره گیری از حرام هاست و نهایت شکر گفتن الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ است.)

أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَكَانَكَ فَحَسَّا مِلَّءَ كَفَيْهِ عِنْبًا فَنَاوَلَهَا إِتْيَاهُ فَأَخَذَهَا السَّائِلُ مِنْ يَدِهِ ثُمَّ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَكَانَكَ يَا غَلَامُ أَطْيُ شَيْءٍ مَعَكَ مِنَ الدَّرَاهِمِ فَإِذَا مَعَهُ نَحْوُ مِنْ عَشْرِينَ دِرْهَمًا فِيمَا حَزَزْنَاهُ أَوْ نَحْوَهَا فَنَاوَلَهَا إِتْيَاهُ فَأَخَذَهَا ثُمَّ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ هَذَا مِنْكَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَكَانَكَ فَخَلَعَ قَمِيصًا كَانَ عَلَيْهِ فَقَالَ الْبَشِ هَذَا فَلَبِسَهُ ثُمَّ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَسَانِي وَسَتَرَنِي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَوْ قَالَ جَزَاكَ اللَّهُ خَيْرًا لَمْ يَدْعُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِلَّا بَدَأَ ثُمَّ انْصَرَفَ فَذَهَبَ قَالَ فَظَنَّنَا أَنَّهُ لَوْ لَمْ يَدْعُ لَهُ لَمْ يَزَلْ يُعْطِيهِ لِأَنَّهُ كَلَّمَا كَانَ يُعْطِيهِ حَمْدَ اللَّهِ أَعْطَاهُ.^۱

۱. همان، ج ۴، ص ۴۹: «یکی از اصحاب امام جعفر صادق عليه السلام حکایت کند: روزی در منی و عرفات در حضور آن حضرت مشغول خوردن انگور بودیم که فقیری آمد و تقاضای کمک کرد. حضرت یک خوشه انگور به آن فقیر دادند. فقیر گفت: انگور نمی خواهم. چنانچه درهم و دیناری دارید، کمک کنید. امام صادق عليه السلام فرمودند: خداوند به تو کمک کند. فقیر مقداری راه رفت و سپس بازگشت و همان مقدار انگور را درخواست کرد، ولی حضرت چیزی به او ندادند و فقط فرمودند: خدا به تو کمک کند. بعد از آن، فقیری دیگر آمد و درخواست کمک کرد. حضرت چند دانه انگور به او دادند. فقیر آن چند دانه انگور را گرفت و گفت: الحمد لله رب العالمین که خداوند مهربان مرا روزی داد؛ و چون که خواست برود، امام به او فرمودند: صبر کن؛ و دو دست مبارک خود را پر از انگور کردند و تحویل او دادند. فقیر بار دیگر خدای تعالی را شکر و سپاس گفت و خواست حرکت کند و برود که حضرت فرمودند: چقدر پول همراه داری؟ فقیر پول های خود را که حدود بیست درهم بود نشان داد و حضرت نیز به همان مقدار درهم به او کمک کردند. هنگامی که فقیر پول ها را از آن حضرت گرفت، شکر و سپاس خدای را به جا آورد و خواست برود، حضرت فرمودند: صبر کن؛ و سپس پیراهن خود را درآوردند و تحویل آن فقیر دادند و فرمودند: آن را بپوش. فقیر پیراهن را گرفت و پس از شکر خدا، از آن حضرت نیز تشکر و دعای خیری در حق حضرت کرد و رفت. راوی می گوید: ما این طور گمان کردیم که اگر او به شکرگزاری خود ادامه می داد، حضرت بیشتر به او می دادند؛ چراکه تا وقتی او شکر خدا را می کرد، حضرت به او کمک می کردند.»

■ از لطایف کریمه خدای سبحان، همان طور که بعضی از مفسرین بیان کرده‌اند، نکته ظریفی است که آن را در آیه مورد بحث به کار برده و آن این است که وعده زیاد کردن نعمت را به طور صریح (آن هم با نون تأکید) آورده و فرموده: «لَا زَيْدَنَّكُمْ»؛ «حتماً نعمت را برایتان زیاد می‌کنم»، ولی در تهدید علیه کفران کنندگان به صراحت نفرموده که عذابتان می‌کنم، بلکه به طور تعریض و اشاره فرموده: «عذاب من سخت است.» آری، این شیوه و روش کریمان است که در وعده و وعیدشان غالباً تصریح به عذاب نمی‌کنند.

■ شکر مایه فزونی نعمت و کفر موجب فناست. بدون شک، خداوند در برابر نعمت‌هایی که به ما می‌بخشد نیازی به شکر ما ندارد، و اگر دستور به شکرگزاری داده، آن هم موجب نعمت دیگری بر ما و یک مکتب عالی تربیتی است. مهم این است که ببینیم حقیقت شکر چیست تا روشن شود که رابطه آن با افزونی نعمت از کجاست و چگونه می‌تواند خود یک عامل تربیت بوده باشد. حقیقت شکر، تنها تشکر زبانی یا گفتن «الحمد لله» و مانند آن نیست، بلکه شکر دارای سه مرحله است: نخستین مرحله آن است که به دقت بیندیشیم که بخشنده نعمت کیست. این توجه و ایمان و آگاهی پایه اول شکر است؛ و از آن که بگذریم، مرحله زبان فرامی‌رسد؛ ولی از آن بالاتر مرحله عمل است. شکر عملی آن است که درست بیندیشیم که هر نعمتی برای چه هدفی به ما داده شده است. آن را در مورد خودش صرف کنیم، که اگر نکنیم، کفران نعمت کرده‌ایم، همان گونه که بزرگان فرموده‌اند: الشکر صرف العبد جمیع ما انعمه الله تعالی فیما خلق لاجله. راستی، چرا خدا به ما چشم داد و چرا نعمت شنوایی و گویایی بخشید؟ آیا جز این بوده که

عظمت او را در این جهان ببینیم، راه زندگی را بشناسیم و با این وسایل در مسیر تکامل گام برداریم، حق را درک کنیم و از آن دفاع نماییم و با باطل بجنگیم؟ اگر این نعمت‌های بزرگ خدا را در این مسیرها مصرف کردیم، شکر عملی اوست، و اگر وسیله‌ای شد برای طغیان و خودپرستی و غرور و غفلت و بیگانگی و دوری از خدا، این عین کفران است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «کمترین شکر این است که نعمت را از خدا بدانی، بی‌آنکه قلب تو مشغول به آن نعمت شود و خدا را فراموش کنی و همچنین، راضی بودن به نعمت و اینکه نعمت خدا را وسیله عصیان او قرار ندهی، و اوامر و نواهی او را با استفاده از نعمت‌هایش زیر پا نگذاری»؛ و از اینجا روشن می‌شود که شکر قدرت و علم و دانش و نیروی فکر و اندیشه و نفوذ اجتماعی و مال و ثروت و سلامت و تندرستی، هر کدام، از چه راهی است و کفران آنها چگونه است. حدیثی که از امام صادق علیه السلام در تفسیر نور الثقلین نقل شده نیز دلیل روشنی بر این تفسیر است؛ آنجا که می‌فرماید: شکر النعمة اجتناب المحارم؛ «شکر نعمت آن است که از گناهان پرهیز شود» و نیز از اینجا رابطه میان «شکر» و «فزونی نعمت» روشن می‌شود؛ چراکه هرگاه انسان‌ها نعمت‌های خدا را درست در همان هدف‌های واقعی نعمت صرف کردند، عملاً ثابت کرده‌اند که شایسته و لایق‌اند و این لیاقت و شایستگی سبب فیض بیشتر و موهبت افزون‌تر می‌گردد.^۱

■ احیای روح شکرگزاری در جامعه و ارج نهادن و تقدیر و سپاس از آنها که با علم و دانش خود و یا با فداکاری و شهادت یا با سایر مجاهدات در طریق پیشبرد اهداف اجتماعی خدمت کرده‌اند یک عامل مهم حرکت و شکوفایی و پویایی جامعه است. در اجتماعی که روح تشکر و قدردانی مرده، کمتر کسی علاقه و دل‌گرمی به خدمت پیدا می‌کند، و به عکس،

۱. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۲۸۴.

آنها که بیشتر قدردانی از زحمات و خدمات اشخاص می‌کنند ملت‌هایی بانشاط‌تر و پیشروترند. توجه به همین حقیقت سبب شده است که در عصر ما به عنوان قدردانی از زحمات بزرگان گذشته در صدمین سال، هزارمین سال، زادروز، و در هر فرصت مناسب دیگر، مراسمی برای بزرگداشت آنها بگیرند و ضمن سپاسگزاری از خدماتشان، مردم را به حرکت و تلاش بیشتر دعوت کنند. فی‌المثل، در انقلاب اسلامی کشور ما، که پایان یک دوران تاریک دوهزاروپانصدساله و آغاز دوران جدیدی بود، وقتی می‌بینیم همه سال و هر ماه، بلکه هر روز، خاطره شهیدان انقلاب زنده می‌شود و بر آنها درود می‌فرستند و به تمام کسانی که به آنها منسوب‌اند احترام می‌گذارند و به خدماتشان ارج می‌نهند، این خود سبب می‌شود که عشق و علاقه به فداکاری در دیگران پرورش یابد و سطح فداکاری مردم بالاتر رود، و به تعبیر قرآن، شکر این نعمت باعث فزونی آن خواهد شد، و از خون یک شهید هزاران مجاهد می‌روید و مصداق زنده «لَا زَيْدَنَّكُمْ» می‌شود.^۱

■ اهمیت شکر خداوند پس از پیروزی

یک نکته مهمی که من در کار شماها دیدم این است که دیدم شما بعد از پیروزی، خدا را شکر می‌کنید؛ بعضی‌هایتان سجده می‌کنید. معنایش این است که شما این پیروزی را از خدا می‌دانید؛ این نعمت را از خدا می‌دانید. این خیلی باارزش است. مشکل انسان‌های طغیانگر و سرکش این است که موجودی خودشان را از خودشان می‌دانند، از لطف الهی و از توجه الهی غافل می‌شوند. شما با این حرکتتان، با توجهتان، با توسلتان، با سجده‌تان، با دست بلند کردن و دعا کردن نشان دادید که دچار غفلت نیستید و می‌دانید که این نعمتی را که با آن سرفراز شده‌اید، خدای متعال به شما داده. این یک مرتبه مهمی از شکر است؛ و همین ان شاء الله موجب

۱. همان.

خواهد شد که شما موفقیت‌هایتان بیشتر بشود، توانایی‌تان ان شاء الله بیشتر بشود؛ چون فرموده‌اند: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ»؛ «[اگر] شکر بکنید، خدا نعمت را افزایش می‌دهد.» این حرکتِ شما که نشان‌دهنده دانایی شما به نعمت الهی است، یک مرتبه مهمی از شکر است.^۱

■ شکر انقلاب ضامن بقای آن

در حوادثی که شما دست قدرت الهی را پشت سرش به وضوح می‌بینید و برکاتش را مشاهده می‌کنید، باید شکر کرد. اگر شکر کردیم، می‌ماند، اگر شکر نکردیم، گرفته می‌شود. اگر ملت ایران شکر انقلاب را نکرده بود، انقلاب می‌رفت؛ کما اینکه در بعضی جاهای دیگر دنیا انقلاب شد، بلد نبودند شکر کنند، انقلاب از دستشان رفت.^۲

■ پایه‌های اصلی شکر

«شکر» چیست؟ شکر چند پایه اصلی دارد: اول، شناختن نعمت و توجه پیدا کردن به آن است. آفتِ اول ما این است که به نعمت توجه نمی‌کنیم. نعمت سلامت را جز بعد از مریض شدن و ناقص‌العضو شدن، نمی‌فهمیم؛ نعمت جوانی را جز بعد از پیر شدن، درست تشخیص نمی‌دهیم. اشکال کار این است؛ نعمت امنیت را جز بعد از دچار شدن به ناامنی، نمی‌فهمیم. مردم کوفه وقتی نعمت امیرالمؤمنین علیه السلام را فهمیدند که حجاج بالای سرشان آمد. مردم مدینه نعمت وجود امیرالمؤمنین و امام حسن علیه السلام را آن روز فهمیدند که مسلم بن عقبه بالای سرشان آمد، قتل‌عامشان کرد، زن‌هایشان را بی‌ناموس کرد، بعد هم گفت همه‌تان باید اقرار کنید که برده یزید هستید. مردم یکی یکی آمدند و جلوی اقرار کردند و هرکس اقرار

۱. بیانات امام خامنه‌ای در دیدار مدال‌آوران کاروان ورزشی ایران، ۱۳۹۷/۸/۲۳.

۲. بیانات امام خامنه‌ای در دیدار بسیجیان، ۱۳۹۵/۹/۳.

نکرد، گردنش رازد. آن مردم آن وقت فهمیدند که حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام و حکومت امن و امان و حکومت احترام و تکریم به مردم در دوران قبل، چقدر ارزش داشته است.^۱

■ نظام اسلامی بزرگ‌ترین نعمت

بزرگ‌ترین نعمتی که امروز به همه ما ملت ایران و به خصوص به مسئولینی که خدمتگزار هستند داده شده، همین نعمت نظام اسلامی و قرار داشتن در زیر سایه نام اسلام و نام و پرچم توحید و تلاش برای پیاده کردن احکام الهی در جامعه است. این، بزرگ‌ترین نعمت است. روزی در همین کشور، همه چیز برخلاف مسیر احکام خدا حرکت می‌کرد. لذا نتیجه این حرکت کفرآمیز و دوری از خدا این بود که این کشور و این ملت عزت و استقلالش را از دست داده بود. بیگانگان و سیاست‌های خصمانه بر این کشور حکومت داشتند. منافع مردم مورد توجه قرار نمی‌گرفت؛ منافع یک عده خواص مورد توجه بود؛ و ایران حقیقتاً در محدوده سیاسی عالم از هیچ جهت عزت و عظمت و اهمیتی در چشم‌ها نداشت؛ نه از جهت علمی و پیشرفت‌های علمی، نه از جهت اداره جامعه، نه به خاطر نظم اجتماعی و حضور و وجود عدالت در جامعه و نه به خاطر تأثیر در مسائل جهانی اصلاً به حساب نمی‌آمد.^۲

در آینه شعر و حکایت

نعمت شود زیاده به قدر زبان شکر

نخلی است اینکه ریشه آن در دهان توست^۳

۱. بیانات امام خامنه‌ای در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۳/۲۹.

۲. بیانات امام خامنه‌ای در دیدار رئیس‌جمهور و هیئت دولت، ۱۳۷۱/۵/۳۱.

۳. صائب تبریزی.

دوام دولت اندر حق شناسی است
زوال نعمت اندر ناسپاسی است
اگر فضل خدا بر خود بدانی
بماند بر تو نعمت جاودانی
چه ماند از لطف و احسان و نکویی؟
حرامت باد اگر شکرش نگویی^۱

شکر خدای کن که موفق شدی به خیر
ز انعام و فضل او، نه معطل گذاشت^۲

بی شکر خدا مباحش هرگز نفسی تا بر تو شود ابر کرمها باران^۳

من بی تو دمی قرار نتوانم کرد احسان تو را شمار نتوانم کرد
گر بر تن من زفان شود هر مویی یک شکر تو از هزار نتوانم کرد^۴

حقایق به شهادت آمار و ارقام

پیشرفت های علمی کشور در حوزه های مختلف در سال های اخیر چشمگیر بوده است. بر اساس نتایج منتشر شده در پایگاه استنادی اسکوپوس، در سال های ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۷ ایران در تولید علم از رتبه ۵۲ جهان به رتبه ۱۶ جهان ارتقا پیدا کرده است: در علم نانو از رتبه ۵۸ به ۱۶، در علوم بیوشیمی از رتبه

۱. سعدی.

۲. سعدی.

۳. خاقانی.

۴. ابوالسعید ابوالخیر.

۵۲ به ۱۷، در علوم هوافضا از رتبه ۴۵ به ۱۱، در علوم فیزیک از رتبه ۵۶ به رتبه ۱۳، در علوم ریاضی از رتبه ۴۷ به ۱۳ در جهان و در علوم داروسازی از رتبه ۴۹ به ۱۱ ارتقا یافته است.^۱



- توجه به نعمت‌هایی که خدا به ما داده است.
- بیان پیشرفت‌های کشور نسبت به سال‌های گذشته که موجب شکرگزاری می‌شود.
- تلاش برای به‌کارگیری درست نعمت‌ها.



دیدن دارایی‌ها یا داشتن دارایی‌ها؟

یکی از عوامل حال خوب دیدن دارایی‌هاست. دیدن دارایی مهم‌تر از داشتن آن است. چه بسا ما ندار نیستیم، اما به دلیل ندیدن دارایی‌هایمان، حال خوبی نداریم. برای حال خوب، ما نیاز بیشتری به دیدن داریم، نه داشتن دارایی‌ها. چرا بسیاری شاکی هستند؟ دلیل شکایت چیست؟ نداشتن نیست؛ ندیدن است. از خدا بخواهیم چشم نعمت‌بین به ما بدهد؛ بعد، حال خوب سراغ ما خواهد آمد.

۱. راجی، صعود چهل‌ساله (مروری بر دستاوردهای چهل‌ساله انقلاب اسلامی ایران بر اساس آمارهای بین‌المللی)، ص ۱۶۶-۱۸۳.

شکر به جای شکایت

ابوهاشم جعفری می‌گوید: در تنگنایی گرفتار شدم و خدمت حضرت هادی علیه السلام رسیدم و اذن ورود خواستم. اجازه ورود داده شد. هنگامی که وارد شدم و نشستم، فرمودند: ای ابوهاشم، کدام یک از نعم خداوند را می‌توانی سپاس گویی؟ ابوهاشم گوید: زبانم بند آمد و ندانستم چه بگویم. حضرت خود آغاز سخن کردند: خداوند به تو ایمان را ارزانی داشت و بدن تو را بر آتش حرام کرد و به تو عافیت روزی کرد. از خداوند بترسید که سختگیر است. بعد، حضرت کمکش کردند تا مشکلاتش رفع شود، اما درس تربیتی را رها نکردند.^۱

درباره جامعه هم همین تقسیم‌بندی وجود دارد: بعضی از جوامع شکور هستند؛ بعضی از جوامع ناسپاس‌اند. فرمود: «وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»^۲ («یادتان باشد که خداوند اعلام کرده اگر شکر کنید، حتماً سرمایه وجودی‌تان را زیاد می‌کنم و اگر ناشکری کنید، مجازاتم خیلی شدید است.») کدام جامعه حال خوب دارد؟ جامعه‌ای که شاکر باشد. چگونه جامعه شاکر می‌شود؟ جامعه‌ای که توانایی دیدن نعمت‌های خودش را داشته باشد. از طرف دیگر، خدا تهدید می‌کند اگر شاکر نباشی و ناسپاسی کنی، عذاب شدید هست. ما معمولاً

۱. عَنْ أَبِي هَاشِمٍ الْجَعْفَرِيِّ أَنَّهُ قَالَ أَصَابَتْنِي ضَيْقَةٌ شَدِيدَةٌ فَصُرْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ بِنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام فَاسْتَأْذَنْتُ عَلَيْهِ فَأَذِنَ لِي فَلَمَّا جَلَسْتُ قَالَ يَا أَبَا هَاشِمٍ أَيُّ نِعْمِ اللَّهِ عَلَيْكَ تُرِيدُ أَنْ تُؤَدِّيَ شُكْرَهَا قَالَ أَبُو هَاشِمٍ فَوَجُمْتُ فَلَمْ أَدْرِ مَا أَقُولُ لَهُ فَأَبْتَدَأَنِي عليه السلام فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَرَزَقَكَ الْإِيمَانَ فَحَرَمَ بِهِ بَدَنَكَ عَلَى النَّارِ وَرَزَقَكَ الْعَافِيَةَ فَأَعَانَكَ عَلَى الطَّاعَةِ وَرَزَقَكَ الْفُنُوعَ فَصَانَكَ عَنِ التَّبَدُّلِ يَا أَبَا هَاشِمٍ إِنَّمَا ابْتَدَأْتُكَ بِهَذَا لِأَنَّي ظَنَنْتُ أَنَّكَ تُرِيدُ أَنْ تَشْكُوَ لِي مَنْ فَعَلَ بِكَ هَذَا قَدْ أَمَرْتُ لَكَ بِمَائَةٍ دِينَارٍ فَحَدَّثَهَا (ابن بابویه قمی، من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۴۰۱).

۲. سوره مبارکه ابراهیم، آیه ۷.

بخش اول را می‌گوییم، ولی اهمیت بخش اول با بخش دوم آیه مشخص می‌شود. شاکر نباشیم، کافر هستیم و ناسپاس. دیگر زندگی شاکرانه فضیلت نیست، بلکه ضرورت است.

حالا مهم‌ترین اقدام برای شکرگزاری این است که چشم نعمت‌بین داشته باشیم. می‌فرماید: «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ!»^۱ «و نعمت‌های پروردگارت را بازگو کن.» چرا خدا می‌فرماید: «بگو»؟ این گفتن تأثیر دارد. این گفتن یعنی من دیدم.

کدام خانواده اهل شکر است؟

مثلاً در خانواده مادری که اهل دیدن نعمت‌های کوچک است و نعمت‌های کوچک در چشم او بزرگ جلوه می‌کند، بچه‌های شکرگزار تربیت می‌شوند. مثلاً مادر محترم، وقتی پدر به منزل آمد، یک یا چند قلم از لیستی را که داده بودی جا انداخته بود. گفته بودی آقا، کاهو، خیار، پرتقال، سیب‌زمینی و گوجه بخر. حالا آقا خرید کرده است. سیب‌زمینی، کاهو، خیار و پرتقال را به خانه می‌آورد. خانم بررسی می‌کند و می‌گوید: فلانی، گوجه نخریدی. آقا را سکه یک پول می‌کند. این یعنی کفر تو خانم محترم. این همه آقایان خرید کرده است، ندیدی. همین یک قلم را دیدی. برعکسش هم هست: خانم، بنده خدا، در خانه صبح تا شب زحمت می‌کشد مثلاً لباس‌ها را می‌شوید. یکی از لباس‌ها را یادش رفته است بشوید. آقا با توپ پر می‌آید به خانه و می‌گوید فلانی، چرا فلان لباسم را نشستی؟ بابا، این همه را که شسته و اتو کشیده است جای تشکر ندارد؟ این اتفاقات جلو چشم بچه‌های ما می‌افتد.



مسابقه بگذاریم برای دیدن روزی‌هایی که قدری پنهان‌اند

در مدرسه مسابقه بگذاریم برای دیدن روزی‌هایی که شاید قدری پنهان باشند و با تفکر کشف شوند. بنابراین، یکی از عوامل ناشکری ندیدن نعمت است، نه نبودن نعمت. خدا نعمت‌هایی به ما داده است که ما نمی‌بینیم. فرمود: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ﴾؛ (خداوند به همه مردم فضل [و بخشش] دارد، اما اکثر آنها سپاسگزاری نمی‌کنند.) خدا به مردم لطف می‌کند، ولی بیشتر مردم ناسپاس‌اند. دائم باید بگردیم دوروبرمان و این بریزوپاش خدا را ببینیم. به خدا، دیگر نمی‌توانیم زندگی کنیم از بس شرمنده هستیم. شاکرانه زیستن زندگی دیگری است.

نعمت امنیت را از چه کسانی داریم؟

فرمودند: نِعْمَتَانِ مَكْفُورَتَانِ: الْأَمْنُ وَالْعَافِيَةُ؛^۲ (دو نعمت است که نادیده گرفته می‌شوند: امنیت و سلامت.) امروز ما نعمت بزرگی داریم به نام امنیت. این نعمت را مدیون چه کسانی هستیم؟ مدیون مجاهدان در راه خدا هستیم؛ مدیون جبهه مقاومت هستیم؛ مدیون حاج قاسم، فاطمیون، زینبیون، سید حسن نصرالله و یحیی سنوار هستیم؛ چون خط مقدم جهاد ما مبارزه با اسرائیل است.

جامعه‌ای که سبک زندگی مجاهدانه را انتخاب کرده است باید قدردان تلاش‌های مجاهدانه دیگران باشد و با تشکر و قدردانی از آنان زمینه گسترش خوبی‌ها را در جامعه فراهم کند.

قدردانی از خانواده‌های شهدا و ایثارگران و همچنین قدردانی از تلاش‌های مسئولان خدوم و نیز خیرین و قدردانی از زحمات اقشار مختلف

۱. سوره مبارکه یونس، آیه ۶۰.

۲. ابن بابویه قمی، الخصال، ج ۱، ص ۳۴، ح ۵.

جامعه از قبیل معلمان، پرستاران، کارگران، هنرمندان، ورزش کاران، صنعتگران و دیگر اقشار جامعه موجب نشر خوبی‌ها و گسترش خدمتگزاری در جامعه خواهد شد و درمقابل، سیاه‌نمایی و زیر سؤال بردن خدمات این گروه‌ها موجب بی‌انگیزگی آنان و در نتیجه، محروم ماندن جامعه از استمرار خدمات آنان می‌شود.



